

تاریخ‌گذاری روایت «هم خَيْرُ مَنْ يَشْرَبُ صُوبَ الْقَمَامِ» در موضوع ولایتعهدی و مناقب

امام رضا علیه السلام

فهیمة غلامی نواد^۱، حسین ستار^۲، محمد حسن صانعی‌پور^۳

چکیده

موضوع ولایتعهدی امام رضا علیه السلام از وقایع تاریخی در ابتدای سال دویست هجری است. گستردگی روایات در این مورد نشانه‌ای از آن است که این موضوع در قرن سوم هجری به وقوع پیوسته است که علاوه بر کتب روایی شیعه و سنی، در کتب تاریخی نیز بدان تصریح نموده‌اند. از این رو، به دلیل اهمیت واکاوی سندی و متنی این روایات، پژوهش حاضر با هدف بررسی روایت نقل شده توسط شیخ صدوق درباره منقبت و ولایتعهدی امام رضا علیه السلام انجام شد. بدین منظور با استفاده از روش تحلیل اسناد. متن در بررسی احادیث، به این پرسش که چه ابهامی در فهم حدیث «سَبْعَةُ آبَائِهِمْ مَا هُمْ / هُمْ خَيْرُ مَنْ يَشْرَبُ صُوبَ الْقَمَامِ» وجود دارد، پاسخ داده شد. همچنین با استفاده از روش توصیفی. تحلیلی، پس از تقریر آرا و دیدگاه‌های مختلف در میان محدثان از جمله شیخ صدوق، ابوالفرج اصفهانی و مزی در شرح حدیث فوق، کشف معنای اصلی متن این روایت در بافت تاریخی آن بررسی و تغییراتی که در مؤکدات فقره اصلی این روایت نیز وجود دارد، مشخص شد. از نتایج تحلیل سندی و متنی روایات چنین به نظر می‌رسد که این روایت اصالت تاریخی دارد و حتی در کتب و منابع روایی و تاریخی شیعه و سنی با ذکر اسناد و طرق متفاوت دیگری نقل شده است و این نشان می‌دهد که شیخ صدوق نقش مهمی در انتقال گزارش‌های روایی - تاریخی داشته است.

واژگان کلیدی: مناقب امام رضا علیه السلام، ولایتعهدی امام رضا علیه السلام، تاریخ‌گذاری حدیث،

شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: fahimeh.gholaminejad@grad.kashanu.ac.ir ORCID: 0000-0003-1749-5583

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
Email: sattar@kashanu.ac.ir ORCID: 0000-0002-5501-5686

۳. دانشجویار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
Email: saneipur@kashanu.ac.ir ORCID: 0000-0003-4284-524X

۱. مقدمه

در بررسی روایات کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام که در مورد فضایل امام رضا علیه السلام است، روایاتی مشاهده می‌شود که به ولایتعهدی امام رضا علیه السلام و چگونگی مراسم جشن ولایتعهدی و سرودن شعر در مناقب ایشان اشاره دارد. (ر.ک.، صدوق، ۱۳۷۲، ۳۱۵/۲-۳۱۲) به گزارش طبری (۱۳۷۵، ۵۶۵/۱۳)، ولایتعهدی در سال دویست و یکم (روز سه‌شنبه، دو روز رفته از ماه رمضان سال دویست و یکم هجری- قمری) بوده است. به گزارش شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام نیز ولایتعهدی امام رضا علیه السلام در روز دوشنبه هفتم ماه رمضان سال دویست و یکم هجری- قمری بوده است (۱۵۷/۲، ۱۳۷۸). همچنین گفته شده است: «سنّ حضرت رضا علیه السلام در هنگام وفات چهل و نه سال و شش ماه بوده، و وفاتش در سال ۲۴ بوده» (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۶۶/۲). نصب و ولایتعهدی آن حضرت بدین صورت بود که مأمون (۱۹۸-۲۱۸ هـ.ق) به امام رضا علیه السلام گفت: «به دلیل مقام علمی و فضل تو در نظر دارم خود را از خلافت خلع کنم و این مقام را به تو بسپارم». امام رضا علیه السلام به این درخواست پاسخ منفی داد. به همین دلیل مأمون بار دیگر پیشنهاد ولایتعهدی به آن حضرت داد. با وجود بی‌میلی امام رضا علیه السلام به پذیرفتن این جایگاه، ایشان با شروطی مقام ولایتعهدی و جانشینی پس از مأمون را پذیرفت (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۲۳۸/۲). روایات بسیاری در زمینه ولایتعهدی امام رضا علیه السلام وجود دارد؛ از جمله روایات ذکر شده از ابوعلی الحسن بن احمد البیهقی در باب چهل و یکم کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام که در آن فضایل و مناقب امام رضا علیه السلام و موضوع ولایتعهدی ایشان به صراحت ذکر شده است (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۴۵/۲). گستردگی روایات درباره ولایتعهدی امام رضا علیه السلام نشانه‌هایی است از اینکه این موضوع در همان قرن سوم هجری به وقوع پیوسته و علاوه بر کتب روایی شیعه و سنی در کتب تاریخی نیز بدان تصریح شده است. (ر.ک.، طبری، ۱۳۷۵، ۱۵۶۵/۱۳، ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۷۵/۵۷، ابن حمدون، ۱۹۹۶، ۴۱۳) از این رو، واکاوی سندی و متنی و بررسی راویان این روایات بسیار مهم است. پژوهش حاضر به روش تاریخ‌گذاری احادیث و تحلیل اسناد- متن^۱ تحلیل شده است. این روش به منزله واکنشی علیه شکل‌گیری نظریه حلقه مشترک در قالب جاعل حدیث ایجاد

1. isnad – cum- matn Analysis/ matn-cum-isnad Analysis.

شد که برای نخستین بار توسط جوزف شاخت (۱۹۰۲-۱۹۶۹)^۱ و بعدها ینبل (۱۹۳۵-۲۰۲۱)^۲ پیگیری شد. این فرضیه، موافقان و مخالفانی در میان شرق شناسان دارد؛

موتسکی (۱۹۲۸-۲۰۱۹ م) مخالف نظریه حلقه مشترک در قالب جاعل حدیث است. به همین دلیل به تحلیل اسناد- متن برای اثبات نادرستی فرضیه ینبل روی آورد. موتسکی بیان می‌کند آنچه ینبل درباره جعل روایات و حدیث در نیمه قرن دوم و سوم هجری مدعی است، خطایی بزرگ است؛ زیرا صحت و اصالت حدیث را می‌توان از قرن نخست هجری نیز ثابت کرد. او معتقد است برای تصمیم‌گیری درباره صحت انتساب حدیث، مطالعه زنجیره انتقال کفایت نمی‌کند، بلکه ضروری است مطالعه وسیع‌تر و عمیق‌تری در این زمینه انجام شود. از این رو، مطالعه تخصصی اسناد و متن در قالب بخشی مهمی از سنت به صورت هم‌زمان نیاز است. براین اساس، هارالد موتسکی نظریه تحلیل اسنادی- متنی را در جایگاه نظریه‌ای پیشرفته‌تر از نظریه حلقه مشترک ارائه داد (امین، ۲۰۰۹، ۲).

روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن، امکان بازسازی تاریخچه نقل یک روایت واحد یا تاریخچه نقل جامع روایات مربوطه به آن روایت را فراهم می‌کند. همچنین امکان پیشی جستن حلقه‌های مشترک و پر کردن بخشی از خلأ روایات در مورد خاستگاه اسلام را فراهم می‌نماید. (موتسکی، ۱۳۹۹) باید دانست که هیچ روشی جامع و مانع و از محدودیت‌ها مبرا نیست. بنابراین، درباره هیچ روشی نمی‌توان ادعای اعتبار قطعی کرد و نتایج آن را درست دانست. روش تاریخ‌گذاری اسناد- متن یکی از انواع روش‌های تاریخ‌گذاری حدیث است. در این روش، ابتدا روایت‌های مختلف یک حدیث گردآوری و اسنادهای مختلف حدیث در یک شبکه به شکل نمودار ترسیم می‌شود. گام دوم، تحلیل متن حدیث است؛ اینکه ساختار متنی و محتوایی نقل‌ها با هم شباهت دارند یا اختلاف و اختلاف‌های آنها از کدام قسمت‌ها و الفاظ است؟ در نهایت، دسته متن‌های مختلف با گروه اسنادهای مختلف برای شناسایی همبستگی و ارتباط احتمالی با هم مقایسه می‌شوند. اگر بین آنها همبستگی و ارتباط وجود داشت نتیجه آن خواهد شد که حلقه مشترک، متن اصیل

1. Schacht
2. G. H. A. Juynboll (Gualtherus (Gautier) Hendrik Albert Juynboll)
3. Amin, K.

را روایت کرده است. همبستگی و ارتباط با اسنادها و متن‌های مختلف یک حدیث نشان‌دهنده جریان واقعی نقل است. در صورت نبود همبستگی، مسئولیت تغییرات متن حدیث در مراحل بعدی برعهده طبقه بالاتر یعنی، فلان‌ها خواهد بود. در بخش بالایی دسته پس از حلقه مشترک، حلقه مشترک فرعی وجود دارد. حلقه مشترک فرعی راویانی است که خبری را توسط یک یا چند اسناد دریافت کرده و به دو یا چند شاگرد دیگر منتقل کرده‌اند. این راویان به نام فلان نیز شناخته می‌شوند. به این ترتیب، تاریخ پیدایش حدیث براساس تحلیل سند و متن به دست می‌آید و تغییراتی که در فرایند نقل اتفاق افتاده است شناسایی و عبارت‌پردازی‌های عناصر مختلف روایت تاریخ‌گذاری و صحت یا عدم صحت و وثاقت حدیث مشخص می‌شود. اگر محقق ویژگی‌های سند و متن را با هم در نظر داشته باشد به نتایج صحیح و جامعی از حدیث دست می‌یابد. (موتسکی، ۲۰۰۵:۱) با این حال، نقدهایی به هر روش وارد است، اما محدودیت‌های آن مانعی برای استفاده از امکانات و نتایج و پیامدهای مفید آن نیست.

مقاله حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی، پاسخ روشنی به پرسش‌هایی از این دست می‌دهد از جمله چه ابهامی در فهم حدیث نقل شده در کتاب *عیون اخبار الرضا* توسط شیخ صدوق درباره منقبت و ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام یعنی، روایت «هم خیر من یشرّب صَوْبَ الْقَمَامِ» است که تاکنون حل نشده است؟ نتایج حاصل از تحلیل اسناد- متن (روش تحلیل اسناد- متن را می‌توان روش روایی- تاریخی^۲ نیز نامید) در بررسی این حدیث چیست؟ فرض بر آن است که ابهام در واژه سبعة در حدیث «سَبْعَةُ آبَاؤُهُمْ مَا هُمْ / هُمْ خَيْرُ مَنْ یَشْرَبُ صَوْبَ الْقَمَامِ» سبب ایجاد آرا و دیدگاه‌های مختلف در میان محدثان از جمله شیخ صدوق و ابوالفرج اصفهانی و مرزی شده است. در عصر حاضر با شیوه‌ها و مطالعات نوین تحلیلی می‌توان متن حدیث را بازخوانی کرد. روش تحلیل اسناد- متن به منزله ابزار تحلیل متون حدیث برای فهم عمیق و دقیق حدیث است. پژوهش حاضر بر آن است که فضائل امام رضا علیه السلام در ارتباط با ولایت‌عهدی ایشان در کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام را از راه تحلیل سندی- متنی حدیث «هم خیر من یشرّب صَوْبَ الْقَمَامِ» بررسی کند. فرض بر آن است که

1. Motzki, H.
2. Tradition-Historical

این حدیث مقطوع است و قدیمی‌ترین متن به جا مانده از این روایت از دوران ابوالفرج اصفهانی به بعد بوده است.

در انتخاب روایات و احادیث، توجه به طیف وسیعی از آنها اهمیتی بسزا دارد. بنابراین، برای غنی‌تر شدن تحلیل، هم احادیث شیعه و هم سنی مورد توجه قرار گرفته است. از موضوعات جالب توجه، حضور روّات اهل تسنن در میان اسناد شیعی است. در پژوهش حاضر در موضوع ولایتعهدی و فضایل امام رضا علیه السلام روایتی بررسی می‌شود که شیخ صدوق آن را به نقل از ابوعلی الحسن بن احمد البیهقی (۲۸۴-۴۵۸ق) که یکی از شیوخ اهل سنت است، ذکر کرده است. بیهقی، یکی از مشایخ اهل سنت است که شیخ صدوق در منزل او در نیشابور در سال ۳۵۲ هـ.ق استماع حدیث داشته است. شیخ صدوق در سفر به نیشابور به نقل از بیهقی اخبار و روایات بسیار مهمی درمورد امام رضا علیه السلام جمع‌آوری کرد. در مقاله حاضر، روایت «خَيْرُ مَنْ يَشْرَبُ صُوبَ الْقَمَامِ» که نشان از مناقب امام رضا علیه السلام دارد و بیهقی آن را روایت کرده است، بررسی شد. بعد از شیخ صدوق نیز این روایت توسط راویان متفاوت در منابع متعدد شیعی و گاهی با تغییراتی در سلسله سند و نوع الفاظ حدیث توسط شیخ مفید، شیخ طبرسی و محمدباقر مجلسی و دیگران ذکر شده است. (مفید، ۱۳۷۲، ۲/۲۶۲؛ الطبرسی،

۱۴۱۷ هـ.ق، ۷۲/۲، مجلسی، ۱۴۳۰ هـ.ش، ۱۴۶/۴۹)

از دیرباز بررسی متن و سند در کتاب‌هایی مانند *علل الحدیث* رایج بود و در کتاب‌های رجالی محدثان متقدم مانند بخاری و مسلم نیز در کنار نقد سند، نقد و تحلیل متن هم انجام شده است. در عصر حاضر نیز پژوهشگران از رویکرد تاریخ‌گذاری احادیث برای بررسی روایات بهره برده‌اند. آنها به دنبال کشف هسته اولیه روایت در محدوده زمانی خاصی بوده و تغییراتی مانند تبدیل، شرح و بسط، جعل و ادراج در حوزه بررسی متن حدیث و تعلق راویان به منطقه و جریان خاص حدیثی، حلقه مشترک اصلی^۱ و فرعی^۲ را در حوزه بررسی سند مورد توجه قرار داده‌اند. درباره تاریخ‌گذاری روایات براساس روش تحلیل اسناد- متن، مقاله‌هایی نوشته شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- مقاله تاریخ‌گذاری حدیث «إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ» با تکیه بر روش تحلیل اسناد

1. Common link (CL)
2. Partial common link (pcl)



و متن (غلامی نژاد و سعار، ۱۴۳۲). این مقاله بیشتر در جست و جوی مراد دلالت گزاره و حیانی بودن سنت با استناد به این حدیث با روش تحلیل اسناد- متن است.

- مقاله تاریخ گذاری روایات اختفاء سز که در آن تاریخ گذاری روایات اختفاء سز بررسی شده است. (شم آبادی، ۱۴۰۰)

- مقاله بررسی نقش شیخ صدوق در انتقال روایت مناقب هجده گانه علی (ع) به منابع شیعه با تکیه بر روش تحلیل اسناد- متن. (غلامی نژاد، سعار، صانی پور و علایی رحمانی، ۱۴۰۲) در این مقاله، روش تاریخ گذاری بر مبنای اسناد- متن به اجمال معرفی شده و حدیث «لَعَلَّی (ع) ثَمَانِي عَشْرَةَ مَنَقِبَةً» با روش اسناد- متن تاریخ گذاری شده است. (غلامی نژاد، و همکاران، ۱۴۰۲)

- مقاله ای به کوشش فقهی زاده و شفیع (۱۳۹۴) نیز چاپ شده و در آن تاریخ گذاری حدیث «علیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدين» بررسی شده است.

روش تحلیل اسناد- متن برای تاریخ گذاری چند حدیث به طور محدود مورد استفاده محققان قرار گرفته است، اما تاکنون از روش اسناد- متن در بررسی روایت «هم خیر من یشرب صوب الغمام» در گزارش های مشترک فریقین و حوزه مطالعات حدیث شناسانه با وجود اهمیت موضوع تاریخی موجود در این حدیث استفاده نشده است. رویکرد متفاوت نوشتار حاضر، استفاده از روش تحلیل اسناد- متن در بررسی این روایت است و از این نظر نگاهی جدید دارد.

۲. تاریخ گذاری روایت «هم خیر من یشرب صوب الغمام» ناظر به موضوع ولایتعهدی در کتاب عیون اخبار الرضا (ع)

در نقل روایات موضوع ولایتعهدی امام رضا (ع) از بیهقی که در کتاب عیون اخبار الرضا (ع) آمده است، گاهی از متن های ساده و کوتاه و گاهی از متن های پردامنه و بسیط استفاده شده است. (ر.ک.، شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱۴۱۷۲) همچنین گاهی در ذیل این روایات، شعر برخی شاعران معروف مثل دعبل (۱۳۸-۲۴۵ ه.ق)، ابونواس (۱۳۳-۱۹۶ ه.ق) و شعر منسوب به نابغه الذبیانی (م ۱۸ ه.ق) نیز آمده است. از میان روایات مختلف منقول از بیهقی در موضوع ولایتعهدی، روایت نقل شده توسط اَحَاکِمُ أَبُو عَلَی حُسَیْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَیْهَقِی توسط مُحَمَّدُ بْنُ یحیی الصَّوْلَی (م ۳۲۵ یا ۳۳۶ ه.ق) توسط الْمُفَیَّرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ از طریق هَارُونُ الْفَزَوِی را به سبب اینکه در

کتاب شیخ صدوق از بیهقی که سنی مذهب است نقل شده و در منابع اهل سنت نیز آمده است، بررسی می شود.

شوشتری درباره سنی مذهب بودن الْحَاكِمُ أَبُو عَلِي الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِي چنین می نویسد: «یروی العیون کثیراً عنه، عن محمد بن یحیی الصولی، عن رجاله کثیراً من أخبار الرضا علیه السلام و هو ان لم یکن إماماً فقیب منهم». (شوشتری، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴۳۸۳) در ادامه، هسته اصلی این روایت با نام «هم خیر من یشرّب صوّب الغمام» مطرح می شود.

۲-۱. بازخوانی و تحلیل گونه های روایت «هم خیر من یشرّب صوّب الغمام» در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام روایت می کند: «چون خبر ولایتعهدی حضرت رضا علیه السلام به مدینه رسید عبد الجبار بن سعید (م ۲۳۹ هـ.ق) (والی مدینه) در خطبه ای این امر را بر مردم ابلاغ کرد و در آخر خطبه گفت: آیا می دانید چه کسی ولیعهد امیر شماست؟ گفتند: خیر! گفت: پس بدانید که او علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. سپس عبد الجبار با تمثیل از این بیت نابغه ذبیانی (شاعر) سخن خود را به پایان رساند: «سَبْعَةُ أَبَاؤُهُمْ مَا هُمْ / هُمْ خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْغَمَامِ» اجداد او هفت نفرند که از تمام کسانی که از آب رحمت الهی سیراب می شوند، برترند» (ابن حاجب الدار، ۱۴۱۶ هـ.ق، ابن حمدون، ۱۹۹۶، ۴۷۴).

این روایت در باب چهل و یکم کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام یعنی، باب «باب السبب الذی من أجله قبل علی بن موسی الرضا علیه السلام ولاية العهد من المأمون» آمده است. (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۴۵/۲) این روایت در کتب اهل سنت نیز آمده و در این کتب حدیثی به شکل های مختلف متنی و راویان متفاوت به کار رفته است. به عبارت دیگر، گونه های متفاوتی از آن متداول بوده است. در ادامه، گونه ها و روایت نقل شده از کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام در موضوع ولایتعهدی مروی از الْحَاكِمُ أَبُو عَلِي الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِي به شیوه تحلیل اسناد- متن بررسی شده است. راویان این روایت ناظر به سیر زمانی، به صورت ذیل دسته بندی می شود:

- ابوالفرج الاصفهانی (م ۳۵۶ هـ.ق)، مقاتل الطالبیین و اخبارهم. (۱۳۸۵، ۳۷۷/۸)

- شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ.ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام. (۱۳۷۸، ۱۴۵/۲)

- المزنی (م ۷۴۲ هـ.ق)، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال. (۱۴۰۰، ۱۵۰/۳۱)

۲-۲. تحلیل اسنادی روایت «هم خیر من یشرّب صوّب القمام»

پس از گردآوری تحریرها و گونه‌های مختلف این روایت در منابع دیگر اهل سنت، این روایت باید از نظر سندی و متنی تحلیل بررسی شود و حلقه مشترک این روایت از راه شبکه اسناد پیگیری شود. به بیان دیگر منبع اصلی گزارش این روایت مشخص گردد و در قالب نقطه کانونی و مرکز ثقل انتشار این روایت مطرح شود. در برخی تحریرها، تفاوت در اسنادها و افراد سلسله سند و حتی در قسمت متن حدیث تغییراتی مانند تغییر در الفاظ و عبارات، قالب روایت، عناصر متن وجود دارد که در تحلیل اسناد- متن به آن اشاره شده است.

۲-۲-۱. بررسی اسنادی روایت گونه الف

با پیگیری خط زمانی این روایت چنین به نظر می‌رسد که پیش از نگارش کتاب عیون اخبار الرضا (ع) به قلم شیخ صدوق (۲۰۵-۲۳۸ هـ.ق)، ابوالفرج اصفهانی (۲۸۴-۳۵۶ هـ.ق) در کتاب مقاتل الطالبیین و اخبارهم این روایت را نقل کرده است. (اصفهانی، ۱۳۸۵، ۱۵/۱) حد اولیه زمانی این روایت و قدیمی‌ترین منبع این روایت کتاب مقاتل الطالبیین است و چون ابوالفرج اصفهانی روایت مذکور را به دو شیوه بیان کرده است گونه الف در دو قسمت بررسی می‌شود.

اول، بررسی اسنادی روایت گونه الف-۱

نقل روایت «هم خیر من یشرّب صوّب القمام» در کتاب مقاتل الطالبیین از نظر اسناد این حدیث با گونه‌های دیگر تفاوت بیشتری دارد. تفاوت نقل اخیر که در سده چهارم هجری و به منزله متقدم‌ترین نقل در ارتباط با این روایت است وجود دو شیوه و راویانی متفاوت در سلسله سند این حدیث است که این روایت از آنها نقل شده است؛ «فحدثنی احمد بن محمد بن سعید، قال: حدثنا یحیی بن الحسن (العلوی)، قال: حدثنی من سمع عبد الجبار بن سعید یخطب تلك السنة [۲۰۱ هـ.ق] علی منبر رسول الله بالمدينة فقال فی الدعاء له: اللهم وأصلح ولی عهد المسلمین، علی بن موسی بن جعفر ابن محمد بن علی بن الحسین بن علی (ع). سنة آباء هم ما هم * هم خیر من یشرّب صوب القمام حدثنی الحسن بن الطیب البلخی، قال: حدثنی محمد بن ابی عمر العدنی، قال: سمعت عبد الجبار یخطب، فذكر مثله. رجع الحديث الی نظام خبر علی بن موسی» (ابوالفرج الاصفهانی، ۱۳۸۵، ۳۷۷/۱). نقل این حدیث از ابوالفرج از دو راه شنیده شده و در مقاتل الطالبیین ذکر شده است؛ از طبقه عبد الجبار بن سعید به بعد از دو طریق نقل شده است (ر.ک...، نمونه‌ار ۱)؛ یکی احمد بن محمد بن

سعید السبعی الهمدانی الحافظ المکنی بابی العباس المعروف بابن عقده (۲۴۹-۲۳۲ هـ) که شیخ طوسی در فهرست در مورد او گفته است: «او ثقه بوده و در حفظ حدیث مشهور بوده است» (طوسی، ۱۳۶۳، ۳۲۷/۴) و دیگری یحیی بن الحسن العلوی، عالم، فاضل و صدوق است (راهی، ۱۴۲۱ هـ). در این شیوه در مورد ترجمه هر دو راوی در سلسله سند مذکور در کتب رجالی ذکر راوی ثقه است. شاخصه اصلی این طریق، کامل بودن اجزای این حدیث و رساندن معنای کامل به مخاطب است. همچنین قدیمی ترین نقل است و راویانی در سلسله سند این طریق هستند که در کتب رجال، ترجمه آنها مطرح می شود. بنابراین، این طریق از نقل حدیث مذکور به منزله متن اصلی انتخاب شده است و نقل ها و گونه های دیگر با این طریق سنجیده می شود. نکته مهم دیگر در این نقل آن است که در گونه الف، عنصر اضافه ای وجود دارد (رجع الحدیث الی نظام خبر علی بن موسی). این گروه از روایت در توضیح این نکته است که این روایت مربوط به منظومه اخبار علی بن موسی است نه اینکه این روایت به علی بن موسی برسد. مرحوم خویی (۱۳۷۸-۱۳۷۱ هـ) در ترجمه یحیی بن الحسن العلوی این نکته را گوشزد می کند که از او اخباری رسیده است، اما این اخبار به خود معصوم علیه السلام یعنی، علی بن موسی در سلسله سند ختم نمی شود (خویی، ۱۴۱۲ هـ، ۴۷/۳۱).

دوم، بررسی اسنادی روایت گونه الف-۲

بر اساس روایت نقل شده در *مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی*، راوی نهایی این اسانید در گونه الف ۱ و ۲، یک نفر (رک، نمودار ۱) یعنی، عبدالجبار بن سعید (م ۲۲۶ هـ) از طبقه وسطی از اتباع تابعین مدینه است. در حقیقت، این حدیث در طبقه اتباع تابعین از عبدالجبار بن سعید در تمام طرق نقل شده است و در تمام گونه های مورد بررسی این پژوهش می توان او را راوی آخر دانست؛ یعنی این روایت، مقطوع است و عبدالجبار بن سعید در جایگاه راوی مشترک در طبقه اتباع تابعین، نقل های روایت را منتشر کرده است. حدیث مقطوع به حدیثی گفته می شود که متصل به معصوم نباشد. علمای عامه، حدیث مقطوع را حدیثی دانسته اند که از تابعین روایت شده باشد. (ربانی، ۱۳۹۴) بنابراین، مهمترین راوی در طبقه اتباع تابعین، عبدالجبار بن سعید است که می توان او را حلقه مشترک محسوب کرد. قاضی عیاض در ترجمه وی چنین می نویسد: «عبدالجبار بن سعید بن سلیمان بن نوفل بن



مساحق ابومعاویه القرشی المساحقی (متوفی ۲۲۶ هـ.ق)، شیخ قریش و ادیب بوده است» (قاضی عیاض، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۶۰۸/۲)؛ «و ذكره ابن حبان في الثقات تحت عنوان: عبد الجبار بن سعيد ابن سليمان بن نوفل بن مساحق المساحق» (ابن حبان، ۱۳۹۳، ۴۱۸/۸). عبد الجبار برای مأمون عهده دار قضاوت مدینه بوده است. پدرش سعید بن سلیمان (۱۳۲ هـ.ق) نیز برای محمد بن عبدالله منصور مشهور به مهدی عباسی (۱۲۶-۱۶۹ هـ.ق) عهده دار قضاوت مدینه بوده است. عبد الجبار احادیث ویژه‌ای داشته که از او شنیده شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۵۰۴/۵). مامقانی درباره عبد الجبار بن سعید در *تنقیح المقال فی علم الرجال* می‌نویسد: «او از راویان عام بوده و به خاطر دوستی عباسیان مذموم است» (مامقانی، ۱۴۳۱ هـ.ق، ۱۵۷/۳۹).

این حدیث در گونه الف ۲ از طبقه عبد الجبار بن سعید به بعد از دو راوی به نام‌های الحسن بن الطیب البلخی و محمد بن ابی عمر العدنی نقل شده که کتب رجال از آنها نامی نیاورده‌اند و ترجمه‌ای از آنها ذکر نشده است. بنابراین، مجهول و مهمل هستند. مجهول و مهمل یعنی، نام راوی در کتب رجالی ذکر نشده باشد یا بیانی از روش، عقیده و مرام آنان نشده باشد. (ریانی، ۱۳۹۴) درباره اختلافات درونی گونه‌های الف ۱ و ۲ باید این نکته را بیان کرد که در این دو شیوه از نقل هیچ تفاوتی از نظر محتوا، مضمون و متن حدیث وجود ندارد و خود ابوالفرج اصفهانی این نکته را با بیان فذكر مثله در انتهای این حدیث بازگو کرده است.



۲-۲-۲. بررسی اسنادی روایت گونه ب

در روایت گونه ب تفاوت ماهوی میان نقل صدوق در کتاب *عیون اخبار الرضا* (ع) از این

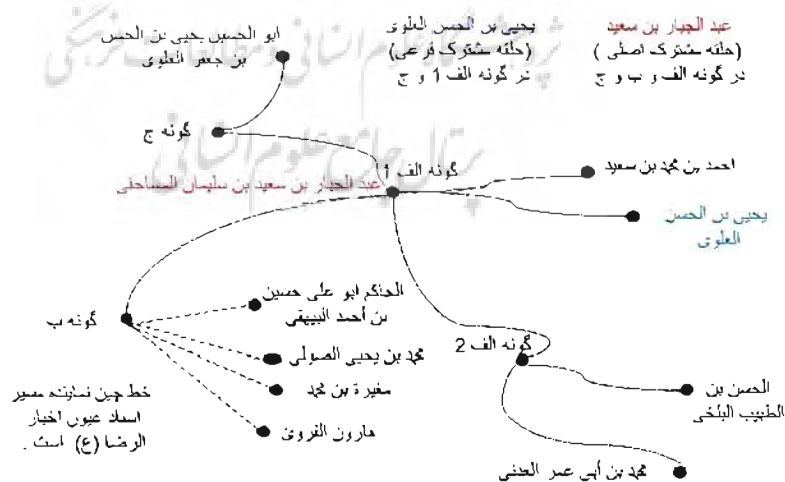
خلیفه اتفاق افتاده است کتابی با منبعی مورد وثوق در تاریخ خاندان عباسی بانام *الأوراق فی أخبار الخلفاء و الشعراء یا الأوراق فی أخبار آل العباس و اشعارهم* نوشته که مشتمل بر گزارش های تاریخی مربوط به خلفا و ذکر اشعار آنها بوده است و شیخ صدوق از این کتاب در نگارش کتاب *عیون أخبار الرضا (ع)* بهره برده است (رحمتی، ۱۳۸۲، صفری فروشانی، ۱۳۸۶).

در دیگر کتاب های روایی امامیه از جمله *ارشاد شیخ مفید*، گزارش های منقول از مورخان کمتر دیده می شود و این خود نشان می دهد که شیخ صدوق با مورخان و کتب تاریخی مرتبط با موضوع *عیون أخبار الرضا (ع)* آشنا بوده است. همین امر می تواند راهگشای دیگر محدثان شیعی در بهره وری از این نوع آثار تاریخی در منابع روایی قرون بعدی باشد. (صفری فروشانی، ۱۳۸۶) از ویژگی های بارز و شیوه اسنادی *عیون*، بیان مشخصات مکانی و زمانی در مورد شیوه دریافت و شنیدن حدیث توسط شیخ صدوق است. صدوق در همین روایت یادآوری می کند که این حدیث را در سال ۳۵۲ از بیهقی در نیشابور شنیده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱/۱۴).

راوی دیگر در سلسله سند گونه ب، مغیره بن محمد بن المهلب بن المغیره بن حرب بن محمد بن المهلب بن ابی صفره، ابوحاتم المهبلی الازدی (م ۲۷۸ق) است که محمد بن یحیی الصولی از وی نقل حدیث کرده و درباره وی گفته اند: «او ادیب و ثقه و اهل بصره بوده و در سال ۲۷۸ قمری وفات یافت». (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۱۹۷/۱۳) در طبقه پایین تر هارون بن موسی بن ابی علقمه الفروی المدینی (م ۲۵۳هـ.ق) یکی دیگر از راویان در سلسله سند منقول از شیخ صدوق (گونه ب) از طبقه تبع الاتباع التابعین (صغار العاشرة) است (الشیبانی البغدادی، ۱۴۰۶هـ.ق). ابن حجر العسقلانی در کتاب *تهذیب التهذیب* درباره او نوشته است: «هارون بن موسی الفروی ثقه، و ابوه ثقه» (۱۳۲۶ق). ابن حبان (۳۵۴-۳۷۸هـ.ق) نیز از او در ثقات یاد کرده است. به باور عسقلانی، رتبه وی نزد ذهبی، صدوق و نزد ابوحاتم و نسایی و ابن حجر «لا بأس به» است (العسقلانی، ۱۳۲۶، ۱۳/۱۱). بنابراین روشن شد که عبارت «لا بأس به» درباره سند روایت و ذکر مشخصات راوی است و از اطلاق این تعبیر همان ثقه استفاده می شود و عبارت «لا بأس به» دال بر حسن ظاهر است. مامقانی عبارت «لا بأس به» را در الفاظ مدح دسته بندی کرده است (غفاری صفت

۲-۲-۳. بررسی اسنادی روایت گونه ج

نقل روایت «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْقَمَامِ» در کتاب تهذیب الکمال مزی با ترجمه یحیی بن الحسن العلوی چنین است: «وَقَالَ أَبُو الْحُسَيْنِ يَحْيَى بْنُ الْحُسَيْنِ جَعْفَرُ الْعُلُوּی النَّسَابَةُ: حَدَّثَنِي مِنْ سَمْعِ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ سَعِيدٍ عَلَى مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: هَذَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﷺ سِتَّةَ آبَاءٍ هُمْ مَا هُمْ * خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْقَمَامِ». (المزی، ۱۴۰۰، ۱۵۰/۲۱) نقل روایت یادشده با توجه به فاصله زمانی حدود سه قرن نسبت به گونه الف تغییرات زیادی در سلسله سند دارد و همان طور که در نمودار شماره ۱ مشخص است در گونه های دیگر واسطه ها و راویان زیادی در سلسله سند هستند. در گونه ج، این واسطه ها حذف شده اند و سخنی از آنها نیست. مزی (۷۴۲هـ) فقط یحیی بن الحسن العلوی (۲۷۷هـ) را در این طریق آورده و سلسله سند را به صورت کامل ذکر نکرده است. بنابراین، مزی به صورت مستقیم این روایت را از یحیی بن الحسن العلوی نشنیده است؛ زیرا وی متوفی ۲۷۷ قمری است. با لحاظ کردن این فاصله زمانی روشن است که راویان بسیاری را از سلسله سند حذف و آخرین راوی را در سلسله سند ذکر کرده است. در کتاب تهذیب الکمال مزی بعد از طبقه اتباع تابعین یعنی، عبد الجبار بن سعید به منزله حلقه مشترک اصلی (در هر سه گونه) و در طبقه بعدی یحیی بن الحسن العلوی در جایگاه حلقه مشترک فرعی (در گونه الف و گونه ج) در طرق ذکر این حدیث وجود دارد (المزی، ۱۴۰۰، ۱۵۰/۲۱).



همان طور که در نمودار ۲ مشخص است اسناد صدوق در طرق نقل این حدیث در طبقه اتباع التابعین یعنی، عبد الجبار بن سعید با گونه الف و ج در این طبقه یکسان است. بنابراین، عبد الجبار بن سعید حلقه مشترک اصلی هر سه گونه است. از طبقه عبد الجبار به بعد در گونه الف-۱ و ج یک راوی با نام یحیی بن الحسن العلوی نام برده شده است که این راوی همان حلقه مشترک فرعی این دو طریق است. در مورد ترجمه و شرح حال حلقه مشترک اصلی و فرعی این روایت در کتب تراجم روشن شد که هر دو ثقه و صدوق بوده‌اند.

۲-۳. تحلیل متنی روایت «هم خیر من یشرّب صَوْبَ الْقَمَامِ»

کانون بحث در این روایت که در همه نسخه‌های مورد بررسی و تحلیل گونه‌های متن نیز وجود دارد عبارت «هم خیر من یشرّب صَوْبَ الْقَمَامِ» است. با این حال در نقل گونه الف و ب چنین آمده است: «هم خیر من یشرّب صَوْبَ الْقَمَامِ»، ولی در گونه ج ضمیر «هم» از این فقره حذف شده و حذف ضمیر در گونه ج به دلیل واضح بودن متعلق آن بوده است، اما در بیشتر نسخه‌های اصلی این شعر از جمله دیوان نابغه ذبیانی، این فقره به صورت گونه الف و ب یعنی، «هم خیر من یشرّب صَوْبَ الْقَمَامِ» آمده است (ذبیانی، ۱۳۸۳، ۱۳۷/۱). در شعر و شعراء ابن قتیبه و خزانه الأدب نیز این قسمت به صورت «صَفْو المدام» آمده (ابن قتیبه، ۱۴۲۳ ه.ق، ۱۴/۱، البغدادی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۳۷/۲) و در تذکره الحمدونیه به صورت «ماء القمام» ذکر شده است (ابن حمدون، ۱۹۹۶، ۴۷۴). در برخی نسخه‌های متأخرتر مثل الدر النظیم و فصول المهمه به صورت «افضل من یشرّب صوب القمام» (هامی، ۱۳۲۰ ه.ق، ابن صباغ، ۱۴۲۲ ه.ق، ۱۰۰۵/۲) در برخی منابع دیگر مثل نزهة الجلیس تعبیر «اکرم من یشرّب صوب القمام» ذکر شده است (موسوی حسینی، ۱۳۷۵، ۴۲/۱).

با توجه به تغییرات حدیث در این فقره در قرون متأخرتر و حتی ذکر نشدن سلسله سند به صورت کامل و تنها با لفظ «ذکر جماعة من أصحاب الأخبار و رواة السیر» در کتبی مثل الدر النظیم و فصول المهمه (هامی، ۱۳۲۰ ه.ق، ۱۶۸۰، ابن صباغ، ۱۴۲۲ ه.ق، ۱۰۰۷/۲) دو فرض مطرح می‌شود: نخست آنکه این بخش از حدیث اصیل است، اما در فرایند نقل مانند سلسله سندش تغییراتی کرده یا به طور اساسی برای فهم مخاطبانش معادل یابی شده است. فرض دوم اینکه در قرون متأخرتر، راویان، این قسمت از حدیث را به طور کامل جعل کرده‌اند و این سند مجعول به منابع حدیثی و تاریخی راه یافته که تنها قرینه برای آن نبود نقل‌هایی مانند

آن در قرون اولیه مثل دیوان نابغه دبیبانی است. بنابراین، می توان از اختلاف نسخ نتیجه گرفت که فقره اصلی این حدیث «هم خیر من یشرّب صوب الفم» که برای بیان فضیلت امام رضا علیه السلام و مباحات و مناقب حضرت علیه السلام در میان حدیث آمده است پس از چندی و در قرون بعدی برای فهم مخاطبان و تقریب به ذهن، واژگانی معادل آن در حدیث مذکور جایگزین شده است.

در بازگشت به اولین مرحله تحلیل به متن حدیث مشخص می شود که آغاز خطبه عبد الجبار بن سعید در گونه الف و ج یک معنا و مفهوم را متبادر می کند، ولی جمله سؤالی «أَتَذُرُونَ مَنْ وَلِيَ عَهْدَكُمْ» فقط در گونه ب وجود دارد. تفاوت دیگر نقل صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السلام با نقل گونه های دیگر در کلمه «سَبْعَةَ آبَائِهِمْ» از این روایت است. چنان که بعد از بررسی متنی منابع دیگر و متأخرتر تنها منبع دیگری که کلمه «سَبْعَةَ آبَائِهِمْ» را نیز به کار برده، عوالم العلوم بحرانی است که در آغاز نقل این روایت یادآوری می کند که این حدیث را به نقل از صدوق در این کتاب آورده است. (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۸۱/۲۲)

جدول ۱

تفاوت های متن حدیث در گونه های مختلف روایت

گونه های روایت	ابعدا و شروع متن روایت	ابتدای شعر دیبانی در روایت	انتهای شعر دبیبانی در روایت
گونه الف	عبد الجبار بن سعید یخطب تلك السنة على منبر رسول الله بالمدينة فقال في الدعاء له: اللهم وأصلح ولي عهد المسلمين، على بن موسى بن جعفر ابن محمد بن علي بن الحسين بن علي، عليه السلام	سنة آباء هم ما هم	هم خير من يشرب صوب الفم
گونه ب	عبد الجبار بن سعید بن سلیمان المساجی فقال فی آخر خطبته أَتَذُرُونَ مَنْ وَلِيَ عَهْدَكُمْ فَقَالُوا لَا قَالَ هَذَا عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام	سَبْعَةَ آبَائِهِمْ مَا هُمْ	هم خیر من یشرّب صوب الفم
گونه ج	عبد الجبار بن سعید علی منبر رسول الله صلی الله علیه وسلم يقول: هَذَا عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام	سنة آباء هم ما هم	خير من يشرب صوب الفم

با توجه به جدول ۱، در گونه الف و ج هر دو روایت با کلمه «سنة آباء هم» نقل شده است که در بیشتر منابع دیگر مانند عقد الفريد، الدر النظيم، فصول المهمة، نثر الدر، نضره الاغريض، التذكرة الحمدونية وارشاد مفید نیز همین «سنة آبائهم» ذکر شده است.

(ابن عبدربه، ۱۴۷ هـ.ق، ۳۵۹/۵، شامی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۱۶۸۰، ابن صباغ، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۱۰۷۷/۲، آبی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۲۵۸/۱، ابن حاجب الدار، ۱۴۱۶ هـ.ق، ابن حمدون، ۱۹۹۶، ۴۱/۴، مفید، ۱۳۷۲، ۲۶۲/۲) در متون دیگری مانند دیوان نابغه ذبیانی و شرح نهج البلاغه عبارت «خمسه آبائهم» ذکر شده است (ر.ک. ذبیانی، ۱۳۸۳، ۱۱۷/۱، ابن ابی الحدید، ۱۴۴ هـ.ق، ۱۶۲/۲) که به گفته بغدادی در خزانه الأدب همان «خمسه آبائهم» به دلیل نسخه شفر دیوان نابغه صحیح است (البغدادی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۲۰/۲).

شیخ صدوق تنها کسی است که عدد هفت را برای فضایل امام رضا علیه السلام در نقل این روایت در عیون اخبار الرضا علیه السلام ذکر کرده و این مناقب در کتب دیگر غیر از عیون در عدد سبعة منحصر نشده است. شاید تعبیر و تخصیص این قسمت در عدد هفت در عیون به این دلیل باشد که شیخ صدوق با توجه به دسترسی به کتاب الأوراق صولی و منابع تاریخی دیگر ذیل این مناقب، به مناقب بیشتری از امام رضا علیه السلام که در آن منابع بوده است دسترسی داشته و او نیز با توجه به همان منابع این فقره از حدیث را ذکر کرده است. شاید هم احتمال تصحیف عدد سبعة در این نقل نسبت به نقل های دیگر که عدد «سته» در بیشتر منابع و عدد «خمسه» در دیوان نابغه ذبیانی ذکر شده است، وجود داشته باشد. البته عنصر اصلی روایت تغییر نیافته و همان طور که در منابع قبل از شیخ صدوق نقل شد به عیون اخبار الرضا علیه السلام انتقال یافته است و همان مفهوم و معنای کلی را برای مخاطب متبادر می سازد. در جدول شماره ۱ تفاوت های متن این روایت مشخص شده است.

۳. نتیجه گیری

در مقاله حاضر روشن شد که شیخ صدوق با نقل از «الحاکم أبو علی الحسن بن أحمد البیهقی» در قامت یکی از مشایخ اهل سنت در سلسله اسناد این روایت در پی بیان و تأیید مناقب و فضایل امام رضا علیه السلام توسط راویان سنی مذهب بوده است. شیخ صدوق با توجه به دسترسی به کتاب الأوراق صولی در نگارش کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام و بهره گیری از مطالب تاریخی این کتاب راهگشای دیگر محدثان شیعی در بهره وری از این نوع آثار تاریخی-ادبی در منابع روایی در قرون بعدی بوده است. از نتایج بررسی روایت «هم خیر من یشرک صوّب القمام» با روش تحلیل اسناد-متن می توان به مواردی مانند دستیابی و

آشنایی با منابع مختلف دیگر در ارتباط با این روایت اشاره کرد و از همبستگی میان آنها میزان اعتبار تاریخی این روایت را به دست آورد.

براساس تحلیل اسنادی این روایت مشخص شد که این حدیث مقطوع است و در طبقه اتباع تابعین، عبدالجبار بن سعید در جایگاه حلقه مشترک اصلی، این حدیث را منتشر کرده که وی در کتب رجال جزو ثقات محسوب شده است. در طبقه بعدی نیز در گونه الف-۱ و گونه ج، یحیی بن الحسن العلوی حلقه مشترک فرعی است که او نیز نقه بوده است. در سلسله سند منقول شیخ صدوق نیز همه راویان آن با دیگر گونه ها تا طبقه عبدالجبار بن سعید متفاوت بوده است و حدیث نقل شده توسط صدوق متابع و شاهد حدیث گونه الف و گونه ج است. البته همه راویان طرق صدوق نیز مورد وثوق بوده اند.

براساس تحلیل متن این روایت نیز آشکار شد که قدیمی ترین متن به جا مانده از این روایت از دوران ابوالفرج اصفهانی به بعد بوده است. در فقره اصلی روایت مذکور در نسخه و گونه ج ضمیر «هم» از این فقره حذف شده است. حذف ضمیر در گونه ج به دلیل واضح بودن متعلق آن بوده است، اما در بیشتر نسخه های اصلی این شعر مانند دیوان نابغه دببانی، هسته اصلی به صورت گونه الف و گونه ب یعنی، «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْغَمَامِ» آمده است. از تفاوت های نقل صدوق می توان به وجود جمله سؤالی «أَتَذُرُونَ مَنْ وَلِيَ عَهْدِ كُنْ» در متن حدیث اشاره کرد. تفاوت دیگر کلمه «سَبْعَةَ أَبَاؤُنْهُمْ» در این روایت این است. شیخ صدوق تنها کسی است که عدد هفت را برای فضایل امام رضا علیه السلام در نقل این روایت در عیون اخبار الرضا علیه السلام ذکر کرده و این مناقب در کتب دیگر به عدد سبعة منحصر نشده است. چرایی تخصیص این قسمت در عدد هفت در عیون به این دلیل است که شیخ صدوق با توجه به دسترسی به کتاب الأوراق صولی و منابع تاریخی دیگر ذیل این مناقب، به مناقب بیشتری از امام رضا علیه السلام که در آن منابع بوده است، دسترسی یافته و او نیز با توجه به همان منابع این فقره از حدیث را ذکر کرده است. شاید هم احتمال تصحیف عدد سبعة در این نقل نسبت به نقل های دیگر که عدد سته در بیشتر منابع و عدد خمسة در دیوان نابغه دببانی ذکر شده است وجود داشته باشد.



فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۳۴۴ هـ.ق). شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید). قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی رحمته.
۲. ابن حاجب الدار، مظفر بن فضل (۱۳۱۶ هـ.ق). نضره الاغریض فی نصره القریض. بیروت: دار صادر.
۳. ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد (۱۳۹۳). الثقات. تحت مراقبه: الدكتور محمد عبد المعید خان مدیر دایره المعارف العثمانیه. هند: دایره المعارف العثمانیه بحیدرآباد الدکن الهند.
۴. ابن حمدون، محمد بن حسن (۱۹۹۶). التذکره الحمدونیة. بیروت: دار صادر.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ هـ.ق). الطبقات الکبری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن صباغ، علی بن محمد (۱۴۲۲ هـ.ق). الفصول المهمه فی معرفه الاثمه. قم: مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر.
۷. ابن عدیه، احمد بن محمد (۱۴۵۷ هـ.ق). العقد الفرید. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ هـ.ق). تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل او اجتناز بنواحبها من واردیها و اهلها. بیروت: دار الفکر.
۹. ابن قتیبه، عبد الله بن مسلم (۱۴۲۳ هـ.ق). الشعر والشعراء. قاهره: دارالحدیث.
۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۴). الفهرست. مترجم: تجدد، رضا. تهران: چاپخانه بانک بازگانی ایران.
۱۱. اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۸۵). مقالات الطالبيين. محقق: کاظم المظفر. قم: مؤسسه دارالکتب للطباعة والنشر و منشورات المکتبه الحیدریه و مطبعها فی النجف.
۱۲. آبی، منصور بن حسین (۱۴۲۴ هـ.ق). نثر الدر فی المحاضرات. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۳۰ هـ.ق). طبقات اعلام الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله (۱۳۱۳ هـ.ق). عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الذیات و الاخبار و الاقوال. قم: مدرسه الامام المهدی رحمته.
۱۵. البغدادی، عبد القادر بن عمر (۱۳۱۸ هـ.ق). خزانه الادب و لب لباب لسان العرب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۳۱۷ هـ.ق). تاریخ بغداد. بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
۱۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ هـ.ق). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه. قم: دفتر آیت الله العظمی الخویی.
۱۸. ذبیانی، نابغه (۱۳۸۳). دیوان نابغه ذبیانی. محقق: کرم البستانی. بیروت: دار بیروت.
۱۹. راضی، حسین (۱۴۲۱ هـ.ق). تاریخ علم الرجال و اهمیه رجال النجاشی. قم: مؤسسه البلاغ.
۲۰. ربانی، محمد حسن (۱۳۹۴). دانش دایره الحدیث. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۱. رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۲). دو کتاب به روایت شیخ صدوق. نشریه کتاب ماه دین، شماره ۶۶ و ۶۷، ۶۸-۶۹، ۶۳.
۲۲. شلمی، یوسف بن حاتم (۱۳۲۰ هـ.ق). الدر المنظم فی مناقب الائمة اللهمم. قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۳. هم آبادی، مرضیه (۱۴۰۰). تاریخ گذاری روایات اختفاء سر. نشریه مطالعات فهم حدیث، شماره ۲، ۱۱۶-۹۳.
۲۴. هوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰ هـ.ق). قاموس الرجال. جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۵. الشیبانی البغدادی، عبد الله بن احمد (۱۴۰۶ هـ.ق). السنه (عبد الله بن احمد). لبنان: دار منتدی الفكر.
۲۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا رحمته. مترجم: غفاری، علی اکبر، و مستفید، حمید رضا. تهران: نشر صدوق.
۲۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا رحمته. تهران: نشر جهان.
۲۸. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۶). بررسی دوائر تاریخ نگاری شیخ صدوق رحمته. نشریه نامه تاریخ پژوهان، ۱۰(۱)، ۱۶۶-۲۵۷.
۲۹. الطبرسی (الشیخ)، فضل بن حسن (۱۴۱۷ هـ.ق). اعلام الوری باعلام الهدی. قم: آل البیت رحمته.
۳۰. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک). مترجم: پاینده، ابوالقاسم. تهران: اساطیر.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. محقق: خراسان، حسن. مصحح: اخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. العسقلانی، ابن حجر (۱۳۲۶). تهذیب التهذیب. الهند: مطبعه دایره المعارف النظامیه.

۳۳. غفاری صفت، علی اکبر، و صانعی پور، محمدحسن (۱۳۸۸). *دراسات فی علم الدرایه*. مترجم: حسومی، ولی الله. قم: انتشارات دانشکده اصول الدین.

۳۴. غلامی نژاد، فهیمه، سعار، حسین، و صانعی پور، محمدحسن، و علایی رحمانی، فاطمه (۱۴۰۲). بررسی نقش شیخ صدوق در انتقال روایت مناقب هجده گانه علی علیه السلام به منابع شیعه با تکیه بر روش تحلیل اسناد- معن. *نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ۲۰ (۲)، ۸۱-۹۷.

۳۵. غلامی نژاد، فهیمه، و ستار، حسین (۱۴۰۲). تاریخ گذاری روایت «إِثْبَاتُ الْكِتَابِ وَتَوَقُّفُهُ مَعَهُ» با تکیه بر روش تحلیل اسناد و معن. *نشریه دین و دنیای معاصر*، ۱۰ (۱)، ۱۹-۳۸.

۳۶. فقهی زاده، عبدالهادی، و شفیمی، سعید (۱۳۹۴). تاریخ گذاری حدیث (علیکم بسنتی و سنه الخلفاء الراشدين)، روش تاریخ گذاری سند- متن، نشریه حدیث پژوهی، ۷ (۱۴)، ۳۲۰-۷.

۳۷. قاضی عیاض، عیاض بن موسی (۱۳۲۳ ه.ق). *جمهره تراجم الفقهاء المالکیه*. دبی: دارالبحوث للدراسات الاسلامیه و احیاء التراث.

۳۸. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ ه.ق). *تنقیح المقال فی علم الرجال*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.

۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ه.ش). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴۰. المرزی، جمال الدین ابن الزکی ابی محمد القضاة الکلبی (۱۴۰۰). *تهذیب الکمال فی اسماة الرجال*. محقق: د. بشار عواد معروف. بیروت: مؤسسه الرساله.

۴۱. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: دارالمفید.

۴۲. مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۰). *الارشاد للمفید*. تهران: ناشر اسلامیه.

۴۳. موتسکی، هارالد (۱۳۹۹). *تحلیل روایات اسلامی: مطالعاتی در احادیث فقهی-تفسیری مفاز*. مترجم: موسوی مقدم، سید محمد. تهران: سمت.

۴۴. موسوی حسینی، عباس بن علی (۱۳۷۵). *نزه الجلیس و منیه الادیب الانیس*. قم: المکتبه الحیدریه.

45. Amin, K. (2009). *Menguji Kembali Keakuratan Metode Kritik Hadis*. Cet. I. Jakarta: Hikmah.

46. Motzki, H. (2005). Dating Muslim Traditions: A survey. *Arabica*, 52(2), 204- 253.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی